عدالت اجتماعی و کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

شهاب دلیلی*

چکیده

این مقاله به بررسی چهار دسته متغیر «جمعیت‌شناختی» (میزان جمعیت، درصد شهرنشینی، درصد بیکاری)، «سیاست‌گذاری» (حجم ذخایر و تولید نفتی، میزان تولید ناخالص داخلی، جایگاه کشور در شاخص‌های توسعه انسانی)، «وضعیت خدمات اجتماعی» (متوسط سال ـ سن تحصیلات، سهم بهداشت از کل تولید ناخالص داخلی، میزان دسترسی به اینترنت) و «وضعیت اقتصادی» (آزادی اقتصادی) می‌پردازد و قصد دارد وضعیت این متغیرها در جمهوری اسلامی ایران را با دو منطقه حوزه تمدنی و فرهنگی نزدیک که شامل کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی می‌شود، مقایسه نماید. یافته‌های این پژوهش با تکیه بر مستندات گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد نوع رویکرد به عدالت اجتماعی تأثیر بسزا و معناداری در تبیین کارآمدی یا ناکارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارد.

واژگان کلیدی: کارآمدی، عدالت اجتماعی، نظام سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، عدالت زمینه‌مند.

---

* دانش‌آموخته علم سیاست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران. ایران. shahabdalili@yahoo.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

هر ساختار سیاسی منسجم در قالب یک دولت ـ ملت دارای بنیان‌ها و پایگاه‌های اجتماعی است. نظام‌های سیاسی همواره در پی تحکیم و تقویت این پایگاه‌های اجتماعی می‌باشد تا همواره میزان ثبات و استمرار خود را افزایش دهد. از مهم‌ترین مسیرهای تحکیم و تقویت پایگاه اجتماعی یک نظام سیاسی، برقراری عدالت اجتماعی در بین اقشار مختلف جامعه است. مسئله به همین سادگی نیست. برقراری عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه کارایی و کارآمدی نظام سیاسی مصائب خاص خود را دارا می‌باشد؛ از مهم‌ترین این مصائب می‌توان به نوع رویکرد سیاست‌گذاران و منتقدان به اجرای عدالت اجتماعی اشاره داشت. به این ترتیب اگر کارایی یک نظام سیاسی را تبدیل منابع بالقوه به منابع بالفعل تعبیر نماییم آنگاه تبدیل ذخایر مادی(مانند انرژی) و معنوی(مانند هنجارها) به تولیدات مادی و معنوی پس از آن توزیع این منابع و مواهب را می‌توان کارایی یک نظام سیاسی قلمداد نمود. الزامی است که این تبدیل و توزیع به‌شکل عادلانه صورت پذیرد تا پایگاه اجتماعی آن نظام سیاسی مستحکم و باثبات باشد. این تمام صورت‌بندی مسئله است. چگونه می‌توان دریافت که یک ساختار سیاسی در این تبدیل و توزیع عادلانه اقدام نموده است؟

مضاعف بر این، اگر گزارش‌های مؤسسات بین‌المللی در خصوص مؤلفه‌های عدالت اجتماعی در یک کشور وضعیت نسبتاً خوب یا حداقل غیروخیمی را ترسیم کنند؛ اما شهروندان آن کشور به ناکارآمدی و بی‌عدالتی نظام سیاسی خود حکم کنند آنگاه شاهد ایجاد یک فاصله میان وضعیت ترسیمی آمار و ارقام گزارش‌های بین‌المللی و وضعیت ترسیمی شهروندان آن کشور هستیم. این فاصله چگونه قابل مطالعه و بررسی است؟ مسئله برقراری عدالت اجتماعی دارای وجوه متعددی است. از مهم‌ترین وجوه بررسی عدالت اجتماعی می‌توان به دسترسی به خدمات درمانی، آموزش و تحصیلات، آزادی در دسترسی به اطلاعات و... اشاره داشت و از مقایسه این مؤلفه‌ها در کشورهای مختلف می‌توان وضعیت عدالت اجتماعی در یک کشور را محور سنجش قرار داد که البته بررسی این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها مستلزم یک پژوهش گسترده است. گزارش‌هایی هستند که به بررسی چندین مؤلفه در خصوص کشورهای جهان اقدام می‌دارند؛ از آن جمله می‌توان به گزارش‌های سالانه توسعه

Archive of SID

www.SID.ir

انسانی، گزارش بانک جهانی، گزارش‌های سالانه بنیاد هریتیج و... اشاره داشت و به‌واسطه این گزارش‌ها می‌توان تاحدودی دریافت که وضعیت عدالت اجتماعی در یک کشور چگونه است. زیرا این گزارش‌ها با رتبه‌بندی کشورها، آنها را در مؤلفه‌های متعدد محور بررسی قرار داده‌اند و فهرست رتبه‌بندی کشورها را هر سال منتشر می‌نمایند.

تلاش داریم تا بررسی وضعیت آماری مؤلفه‌های عدالت به تشریح وضعیت کارآمدی ساختار سیاسی در برقراری عدالت اجتماعی در جامعه ایران امروز دست یابیم. از این رو، لازم است تا از پس بررسی مفهومی کارآمدی نظام سیاسی و وجوه نظری عدالت اجتماعی به وضعیت امروزین این دو مؤلفه در ایران امروز بپردازیم. این بررسی به صورت مقایسه‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی انجام می‌پذیرد. این دو دسته کشور از آن جهت انتخاب شده‌اند که هم‌پوشانی فراوانی با حوزه تمدنی و فرهنگی ایران داشته و ازمنظر ذخایر مادی و هنجارهای غیرمادی نزدیکی فراوانی بین این کشورها برقرار می‌باشد. آن چنان که گذشته تاریخی و دولت‌های غالباً رانتیر در بین ایشان مشترک است.

الف. اثربخشی یک نظام سیاسی در قالب کارآمدی آن

با ورود مفهوم «حکمرانی خوب» به ادبیات توسعه سیاسی و مدیریت، شاخص‌های متعددی همچون حق اظهارنظر[1]، ثبات سیاسی[2]، اثربخشی و کارایی حکومت[3]، کیفیت مقررات تنظیمی[4]، حاکمیت قانون[5]، مبارزه با فساد[6] و... مورد تأکید قرار گرفت(Kaufmann, 2002: 66) و بر اساس این مؤلفه‌ها سه مفهوم کیفیت حکومت[7]، حکمرانی خوب[8] و ظرفیت دولت[9] در ارتباط با یکدیگر و به‌ویژه در خصوص کشورهای درحال‌توسعه اهمیت پیدا کردند(Haunter and

1. voice and accountability
2. political stability
3. government effectiveness
4. regulatory quality
5. rule of law
6. control of corruption
7. quality of government
8. good governance
9. state capacity

Archive of SID

www.SID.ir

Kyobe, 2008: 2). در این رویکرد، بهبود حکمرانی در جامعه باعث کارآمدی نظام اجتماعی و اقتصادی و دسترسی جامعه به رفاه و رضایت‌خاطر مردم می‌شود(summary of the 58th report, 2011: 37). ازاین‌رو می‌توان گفت که حکمرانی خوب، «تمرین مدیریت منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده» است(Diedhiou, 2007: 26).

این رویکرد و مؤلفه‌های مربوط به آن به‌شکلی توأمان درهم تنیده‌اند، اما در میان این مؤلفه‌ها می‌توان به کارآمدی و کارایی جایگاهی محوری داد(Graham, 2003: 4). کارآمدی معادل واژه انگلیسی Effectiveness است که با کلماتی مانند کارایی، کارآمدی، تأثیر، تأثیرگذاری، اثربخشی مترادف می‌باشد(کوزه‌گر، ۱۳۹۲: ۹۲). البته در زبان انگلیسی گاه برای معنای کلمه «کارآمدی» از واژه Competence نیز به‌معنای «صلاحیت و سزاواری» هم استفاده می‌شود(un-habitat, 2006). به این ترتیب کارآمدی و کارایی در حقیقت بیانگر توانایی اداره کشور توسط کارگزاران شایسته آن است که در راستای کسب حداکثر رضایت‌مندی شهروندان اتخاذ می‌شود(Mitchell, 1993: 632).

بر این اساس اگر کارآمدی نظام (اجتماعی، سیاسی و...) را به‌معنی «تطبیق با شرایط جدید و توانایی برای حل مشکلاتی که برای یک سیستم یا جامعه پیش می‌آید»(Andrews, 2008: 22)، تعریف کنیم در این صورت ما با انواع کارآمدی مواجه خواهیم شد که درجات شدت و ضعف متفاوتی را نیز دارا می‌باشد و به نسبت این شدت و ضعف است که رضایت‌مندی و نارضایت‌مندی شهروندان رخ می‌دهد(جلالی، ۱۳۹۵: ١١٤) و این رضایت‌مندی خود مجدد سبب می‌شود که سطح اقتدار قانونی یک دولت افزایش یابد(Andrews, 2008: 30) و استمرار آن در بلندمدت می‌تواند میانگین مقبولیت یک نظام سیاسی را بهبود بخشد(Lipset, 1959: 77) و به‌طور قطع ناکارآمدی مستمر نیز موجبات مشروعیت‌زدایی را مهیا می‌سازد.

کارآمدی و کارایی یک نظام سیاسی دارای فرایندی مشخص است. آنگونه که با به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی‌ها شروع می‌شود و با سازماندهی منابع و امکانات، هدایت و کنترل می‌شود و در انتها با دست‌یابی به اهداف سازمانی پایان می‌یابد(رضائیان، ۱۳۹۵: ٦). آنچه در این فرایند مهم است دستیابی به اهداف تعیین‌شده با کمترین هزینه می‌باشد(گلریز، ۱۳۸۸: ۱۷۱). هرچند که لازم است این دستیابی به اهداف باید

Archive of SID

www.SID.ir

با نیازها و خواسته‌های شهروندان هم‌راستا و هماهنگ باشد(Esty, 2006: 1506). به این ترتیب اثربخشی در یک نظام را می‌توان دربرگیرنده نتایج حاصله از عملکرد آن سیستم دانست(هیوز، ۱۳۹۷: ۷۵). این اثربخشی در یک نظام «سیاسی» به توانایی، نفوذ و قابلیت معنا شده است(آقابخشی، ۱۳۸۹: ٤٤٦).

امروزه کارآمدی در بررسی‌ها، تصویری است از ظرفیت دولت برای پیاده‌سازی سیاست‌ها که از طریق کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهری و درجه استقلال از فشارهای سیاسی با کیفیت تدوین سیاست‌ها و اجرای آنها و اعتبار دولت به این سیاست‌ها سنجیده می‌شود(kaufman, 2010: 4). هرچند که باید پذیرفت کارآمدی در نظام‌های سیاسی، امری نسبی است و ناشی از وجود مؤلفه‌ها و اجزای گوناگون تشکیل‌دهنده در هر نظام سیاسی است(فرنج، ۱۳۹۵: ۲۱۱) و تعریف کارآمدی به موفقیت در تحقق اهداف، باتوجه‌به امکانات و موانع تأثیر بسزایی در کارآمدبودن و ناکارآمدی یک نظام سیاسی ایفا می‌کند (نوروزی، ۱۳۹٤: ۹)؛ درنتیجه کارآمدی یک نظام سیاسی واجد ویژگی فرایندی‌بودن و مضاعف بر آن فرایندی تدریجی‌بودن است. باتوجه به اینکه کارآمدی امری نسبی است و نسبت به هدف ارزیابی می‌شود، ماهیت هر هدف را نظام ارزشی مولد آن هدف تعیین می‌کند (تقوی، ۱۳۹۰: ۲۲). تا به آنجا که برخی برآنند که کارآمدی یک نظام سیاسی بیشتر با مؤلفه‌هایی چون «مبانی نظری منسجم»، «تعریف روشن از اصول و ارزش‌ها»، «ساختار سیاسی منسجم»، «توجه به آرمان‌ها در سیاست‌گذاری‌ها» و... بستگی دارد (کلانتری، ۱۳۹۳: ٤۷۰). به نظر می‌رسد کارآمدی یک نظام سیاسی بیشتر بر مبنای میزان تأثیرگذاری برون‌دادهای آن نظام سیاسی بر شهروندان قابل اندازه‌گیری می‌باشد.

درمجموع باید پذیرفت که در تعیین کارآمدی یک نظام سیاسی سه وجه «حوزه موضوعی کارآمدی» (اقتصادی، سیاسی و...)، «شاخص ارزیابی کارآمدی» و «زمینه‌ی عملیاتی‌نمودن کارآمدی» تفاوت‌های فراوانی با یکدیگر دارند(کاشانی، ۱۳۸۳: ۱۵). در این نوشتار برآنیم که کارایی به‌معنای درست انجام‌دادن وظیفه است و به «رابطه صحیح بین ورودی و خروجی»(رابینز، ۱۳۸٦: ۵۱) اشاره دارد. مضاعف بر این می‌توان بیان داشت که کارآمدی حاصل جمع میان اهداف با امکانات منهای موانع است. ازاین‌رو، هرگاه یک ساخت سیاسی با

Archive of SID

www.SID.ir

کمترین هزینه به بیشترین اهداف تعیین‌شده در سیاست‌گذاری‌ها برسد، یک سیستم کارآمد است. البته توجه به این نکته ضروری است که «کارآمدی» در جامعه‌شناسی سیاسی محور بحث قرار می‌گیرد و باید مؤلفه‌های محور بررسی را مؤلفه‌های عینی درون جامعه انتخاب نمود و کمتر سمت مباحث فلسفه نظری گام برداشت. در خصوص مفهوم عدالت اجتماعی نیز لازم است پس از بیان اجمالی تعاریف و ابعاد مفهومی آن چنین رویکردی را اتخاذ نماییم.

ب. عدالت اجتماعی و تطور رویکردی

تاریخ هر جامعه‌ای شاهد دوران‌هایی است که هر دوره دارای مسئله‌های ستیزه‌جویانه‌ای هست؛ یکی از وظایف فلسفه سیاسی در جامعه دموکراتیک تمرکز بر چنین مسئله‌هایی است(ملاعباسی، ١٣٩٤: ٦٤). در دوره‌های گذشته فلسفه سیاسی بیشتر بر موضوعاتی همچون آزادی، دموکراسی و... تمرکزیافته بود؛ اما در ۵۰ سال اخیر مسئله عدالت گوی سبقت را از دیگر مسائل فلسفه سیاسی ربوده است. عدالت اساسی‌ترین مفهوم در حقوق انسانی است، به‌طوری که می‌توان گفت عدالت فضیلت اولیه و اساسی است تاحدی که انسان‌ها ممکن است در خصوص آزادی، رفاه و... شک نمایند، اما نمی‌توانند به بدبودن بی‌عدالتی اعتراف ننمایند. البته که ایده خوب‌بودن عدالت امری بدیهی است؛ اما هنگام اجرای آن تضادها و تعارضات فراوانی پیدا می‌شود (Venieris, 2013: 36). آن چنان که کمبود عدالت یا نبود عدالت سبب ایجاد سلسله بحران‌هایی در نظام‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. در تعاریف عدالت می‌خوانیم که عدالت یعنی برابری و همواره از دو نوع برابری (برابری در وضع و برابری در فرصت) صحبت به میان می‌آید (Brian Barry, 1989: 3). برابری در وضع به‌معنای به‌حداقل‌رساندن تفاوت‌های زندگی شهروندان در زندگی ایشان است و برابری در فرصت‌ها به‌معنای دسترسی به شرایطی است که خصایص هر شخص قابلیت شکوفاشدن را داشته باشد (هیوود، ١٣٩٣: ٢٦).

اندرو هیوود بیان می‌دارد «عدالت اجتماعی از توزیع اخلاقی قابل دفاع سودها یا پاداش‌ها در جامعه که بر حسب مزد، سود، مراقبت بهداشتی منافع رفاهی و مانند آنها ارزیابی می‌شود، پشتیبانی می‌کند» (هیوود، ١٣٩٣: ٤٤٠). این تعریف تاحدود زیادی مبنای نظر این پژوهش می‌باشد. هرچند با پیدایش رنسانس و تحولات همه‌جانبه در نگرش به جهان و انسان و با تسلط

Archive of SID

www.SID.ir

نگرش انسان‌مدار، تعریف عدالت نیز دچار تغییر اساسی شد(دلوه‌کیو، ۱۳۹۵: ۵۱)؛ اما تا به امروز دو رویکرد عدالت توزیعی و تأدیبی مرکزیت داشته‌اند و تعاریفی همچون عدالت تدبیری، وضعی، وطبیعی و... بیشتر در حول این دو دسته تعریف می‌شوند. البته می‌توان به دسته‌بندی‌هایی همچون رویکرد نیازمحور، رویکرد برابری‌محور و رویکرد انصاف‌محور در تعاریف عدالت اجتماعی نیز توجه داشت (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۲۲). در ادامه جهت روشن‌شدن حدود و ثغور بحث، شرحی اجمالی از تاریخ این تعاریف خواهیم داشت. پیش‌تر مفهوم «عدالت» توسط ارسطو به عام و خاص نیز تفکیک می‌شود (ارسطو، ۱۳۸۵: ۱۲۲). عدالت خاص به‌معنای آن است در جامعه چنان عمل شود که با افراد برابر به‌طور برابر و با افراد نابرابر به‌طور نابرابر رفتار شود (واعظی، ۱۳۸٤: ۸٦) و عدالت عام همان است که ارسطو آن را به «حاصل جمع همه فضایل» یاد می‌کند (واعظی، ۱۳۸٤: ۸۷). بر این اساس می‌توان بیان داشت که عدالت نزد ارسطو غالباً دارای دو مفهوم در دو درجه عدالت فردی و عدالت اجتماعی می‌باشد.

ارسطو همچنین در کتاب «اخلاق نیکوماخوس» عدالت را به دو بخش «عدالت توزیعی»[1] و «عدالت تأدیبی یا کیفری»[2] تقسیم می‌کند. عدالت توزیعی، توزیع سرمایه‌ها و مواهب اجتماعی در بین افراد جامعه را مدنظر قرار می‌دهد (نیلسن، ۱۳۸۲: ۳۷۰) و عدالت تأدیبی که با عنوان عدالت رویه‌ای نیز شناخته می‌شود دربرگیرنده عدالت در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و مجازات‌ها تمرکز می‌یابد (Raphael,2001:1). آنچه در هر دو نوع مذکور محور بحث است «شیوه درست» توزیع و تصمیم‌گیری می‌باشد. در طبقه‌بندی دیگری در تاریخ اندیشه سیاسی عدالت به «طبیعی» و «وضعی» تقسیم می‌شود. قدیمی‌ترین نوع عدالت، عدالت طبیعی است و دارای قدمت بیشتری در مقایسه با عدالت وضعی است (هوفه، ۱۳۸۳: ۸٤) و به دریافت حقوق طبیعی انسان اشاره دارد درحالی‌که عدالت وضعی به نحوه دریافت و توزیع مواهب و منابع بر مبنای قوانین موضوعه می‌پردازد. فارغ از مبانی مفهومی، می‌توان حدود و ثغور عدالت را بر مبنای نظریه‌های علم سیاست تحدید نمود. آن‌چنان که این مفهوم در نظریات سوسیالیستی، لیبرالیستی و... صورت‌بندی می‌شود.

1. distributive justice
2. retributive justice

www.SID.ir

برای مثال بر اساس رویکرد رادیکال، با وجود آنکه دو گروه حاکم و محکوم در تمامی جوامع حضور دارند برقراری عدالت منوط به ایجاد یک جامعه سوسیالیستی است. عدالت(اجتماعی) در این نظریه غالباً در معنای عدالت توزیعی قابل شناسایی است (XIA, 2018: 1570). به‌عبارتی دیگر مسئله عدالت در این نگرش جنبه اقتصادی بیشتری دارد و با اقتصاد عقلائی حل می‌شود. در مقابل رویکرد محافظه‌کاری قرار دارد و از مهم‌ترین نظریات آن می‌توان به لیبرالیسم اشاره کرد. لیبرالیسم در دوره‌های مختلف چرخش‌های متعددی را بر خود دیده است، اما حکومت قانون در ایده لیبرالیسم محوریت دارد تا افراد بتوانند در وضعیتی زندگی کنند که منافع خود را محقق سازند(توحیدفام، ۱۳۸۹: ۱۳). در ایده لیبرالیسم عدالت به‌معنای صیانت از حقوق اساسی فردی است، اما بیشتر با بار منفی و به‌معنای دخالت حکومت در زندگی شخصی در خصوص آن بحث می‌شود.

جان رالز از مهم‌ترین منتقدین مفهوم عدالت در ایده لیبرالیسم است. وی بیان می‌دارد که عدالت را نباید تصوری حاکی از جمیع اوصاف یک جامعه خوب انگاشت. عدالت فقط یک جزو از این تصور و مفهوم است (رالز، ۱۳۷٦: ۸۲). بر مبنای آرای وی، عدالت از نوعی وضعیت اولیه آغاز می‌شود. رالز با ارائه قرائتی خاص از قراردادگرایی قصد دارد به بازتعریف عدالت اجتماعی اقدام نماید. در آن وضعیت اولیه افراد به هرآنچه جنبه شخصی و منافع فردی آنها محسوب می‌شود، ناآگاه می‌باشند (پرده جهل)؛ بنابر این تعریف نمی‌توانند منافع فردی خود را در اصول عدالت وارد کنند (واعظی، ۱۳۸٤: ۵۷). آرای نوزیک در مقابل سنت فکری افرادی مثل رالز قرار دارد و به مسائل مربوط به عدالت فردی و به‌خصوص مسائل مربوط به حقوق افراد تأکید دارد. عدالت از این دیدگاه اصولاً شامل حمایت از حقوق مسلم افراد است (همپتن، ۱۳۸۵: ۲۵٦).

نقدی دیگری که به رالز وارد می‌شود از سوی جماعت‌گرایان صورت می‌گیرد. به باور جماعت‌گرایان بی‌تردید، جامعه از شبکه روابط بسیار متنوعی تشکیل یافته و «خیرات

Archive of SID

www.SID.ir

اجتماعی[1]» ابعاد گسترده‌ای دارد. والزر به حالت انتقادی بیان می‌دارد که نظریات «عدالت اجتماعی» غالباً با دیدگاه تعمیم‌گرایی رایج بوده و فقط یک نظام توزیع عادلانه متصور بوده است. درحالی‌که «عدالت ریشه در استنباط‌های متمایز آدمیان از جایگاه‌ها و افتخارها و پیشه‌ها و همه‌ی دیگر چیزهایی دارد که به یک شیوهٔ زندگی مشترک و جمعی قوام می‌بخشند»(والزر، ۱۳۹٤: ۵۲۲). ازاین‌رو، اصلی عدالت توزیعی عبارت از تصور، خلق، ارزش‌گذاری و توزیع مواهب در جامعه است. در اینجا تصور و خلق مواهب اجتماعی بر توزیع تقدم دارد(والزر، ۱۳۹٤: ۲۹). بر اساس این ایده «عدالت توزیعی باید جایی اعمال شود که آن کالاها توزیع شده است»(والزر، ۱۳۸۹: ٤٤). البته که این تلقی‌های اجتماعی، از عدالت اجتماعی در یک مکان و تنها یک‌بار و برای همیشه به دست نمی‌آید(والزر، ۱۳۸۹: ٤٤) و در یک فرایند و در ارتباط با دیگر «خیرها» تفسیر، تعبیر و شکل می‌گیرد»(والزر، ۱۳۸۹: ۵۱). آن‌چنان که می‌توان مؤلفه‌های زمینه‌مندی عدالت اجتماعی را در جدول زیر ترسیم نمود.

حوزه‌های اصلی	معیار توزیع	بی‌توجه	به‌سان
بازار	پول و مبادله آزاد	به شغل، مذهب، عقیده سیاسی و...	ایده سرمایه‌داری
منصب و مقام	شایستگی / صلاحیت	درباره پول	ایده سوسیالیسم
آموزش	عضویت در جامعه	به شغل، مذهب، عقیده سیاسی و...	ایده اخلاقیون

(بنگرید به والزر، ۱۳۹٤: ۸۳ – ۸۵).

بر اساس مطالب گفته شده، هدف مایکل والزر توصیف جامعه‌ای‌ست که در آن هیچ‌یک از مواهب اجتماعی به‌عنوان ابزار سلطه به کار نیاید یا نتواند به کار آید(والزر، ۱۳۹٤: ۱۷). برای مثال اقتصاد نتواند در سیاست دخالت داشته یا سرمایه در فرایند آموزش به متغییری مؤثر تبدیل شود. درمجموع می‌توان بیان داشت که مفهوم عدالت از زمانی در ذهن آدمی پیدا شده است که زندگی‌کردن به بهترین شیوه ممکن و عدم تعدی به حقوق یکدیگر در ذهن او خطور یافته است و بهترین زیستن در سطح زندگی فردی و جمعی متضمن مفهومی از عدالت است.

۱. برخی از خیرات اجتماعی (social goods) شامل ثروت، امنیت اجتماعی، مذهب و فعّالیت‌های مذهبی، نحوهٔ تقسیم‌کار اجتماعی، مناصب اجتماعی، قدرت سیاسی، آموزش، تفریحات و اوقات فراغت هستند که عدالت توزیعی و سامان عادلانه ساختار اجتماعی باید بتواند دستیابی عادلانه افراد به این منابع و خیرات اجتماعی را تضمین کند.

Archive of SID

www.SID.ir

بدین منظور در راستای تبیین موضوع و همچنین برای جاری و ساری‌ساختن مفهوم عدالت بایستی به استقرار حکومت و برپای ساختن نهاد در دل جامعه تن در داد که غایت اصلی حکومت در معنای صوری آن اجرای عدالت در عرصه زندگی عمومی است.

ج. وضعیت کارآمدی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه

کارشناسان در عصر حاضر برای سیاست‌گذاری عمومی سه سطح استخراج، توزیع، تنظیم را قائل هستند. به این معنا که ساختار سیاسی با استخراج منابع مالی اقدام به توزیع آن می‌دارد که هدف از این اقدام تنظیم نسبت رفتار شهروندان است(آلموند، ۱۳۸۱: ۲۲۶). این فرایند را می‌توان در تمامی عرصه‌های داخلی همچون بهداشت، آموزش همگانی، اشتغال و... پیگیری نمود. بنابراین می‌توان عنوان نمود که میان نحوه سیاست گذاری عمومی و میزان کارآمدی یک نظام سیاسی رابطه‌ای همبستگی مستقیم برقرار نمود(XIA, 2018: 1575). نوع نگرش شهروندان به مقوله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی تا اندازه زیادی به رابطه همبستگی فوق بستگی دارد. آن‌گونه که سیاست‌گذاری‌های عمومی نظام سیاسی در عرصه‌های بهداشت، آموزش و... و میزان و نحوه متنفع‌شدن شهروندان از این توزیع مواهب بر کارآمدی نظام سیاسی تأثیرگذار است. از سوی دیگر نوع نگرش افراد به مقوله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، تا اندازهٔ زیادی در مقایسه با وضعیت سیاسی جوامع دیگر به‌دست می‌آید. آن‌گونه که شاخص‌ها و معیارهای مطلوب را در وضعیت دو کشور مورد شناخت و مقایسه قرار می‌دهند(کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۲).

ازاین‌رو در اینجا لازم است به متغییرهایی اشاره نماییم که با بررسی آنها چهره وضعیت اقتصادی، سازوکارهای سیاسی و ساختارهای اجتماعی تاحدود زیادی نمایان شود. متغییرهایی همچون آموزش و سلامت (Haunter and Kyobe, 2008: 17)، تأمین اجتماعی و خدمات بهداشت عمومی (Klebe, 2007: 614)، کنترل فساد اقتصادی (Haunter and Kyobe, 2008: 19) که به‌عنوان مهم‌ترین کارویژه‌های یک نظام سیاسی در مسیر تحقق عدالت اجتماعی همواره در پژوهش‌های جهانی محور توجه قرار می‌گیرند.

Archive of SID

www.SID.ir

به این ترتیب جهت بررسی میزان برقراری عدالت اجتماعی لازم است چهار دسته متغییر را در این خصوص مورد ملاحظه قرار دهیم. دسته اول متغیرهای شناخت وضعیت جامعه هدف می‌باشد که در اینجا شامل میزان «جمعیت» و «درصد شهرنشینی» و نسبت آن با «جمعیت بیکار» در آن جامعه می‌باشد. دسته دوم متغیرهایی است که به شناخت وضعیت تصمیمات ساخت سیاسی کمک می‌کند که در اینجا «حجم ذخایر و تولید نفت[1]» و تبدیل این سرمایه به «سرانه تولید ناخالص داخلی» و نسبت آن با «شاخص توسعه انسانی» مدنظر می‌باشد[2]؛ در دسته سوم متغیرهایی هستند که بر اساس آن می‌توان دریافتی از وضعیت ساختار اجتماعی به دست آوریم که در اینجا شامل میزان «سهم بهداشت از کل تولید ناخالص داخلی»، «روند متوسط سال / تحصیلات» و «میزان و درصد دسترسی به اینترنت» است و درنهایت در دسته چهارم به وضعیت ساختار اقتصادی توجه می‌شود. مهم‌ترین متغیر این دسته را می‌توان «آزادی اقتصادی» قرار داد. تلاش شده است تا در هر چهار دسته متغییر مذکور به

مقایسه جمعیت ایران و کشورهای آسیای جنوب غربی

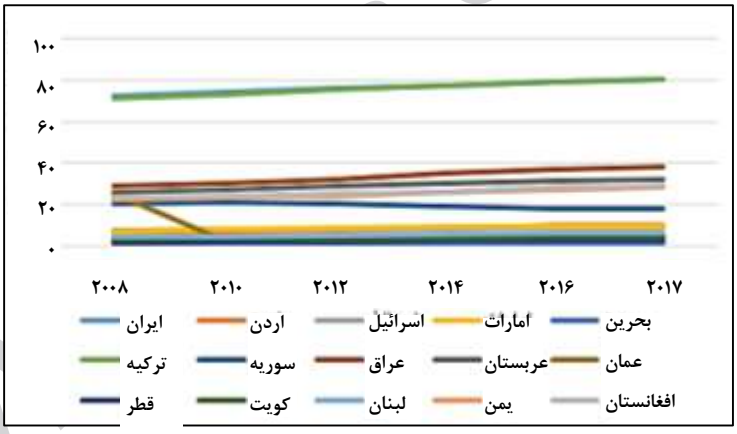

۱. ازآنجاکه تلاش داریم جمهوری اسلامی ایران را در میان دو دسته کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه محور بررسی قرار دهیم و تمامی این کشورها درای ذخایر نفت می‌باشد این متغییر انتخاب شده است.

۲. ازآنجاکه شاخص تولید ناخالص داخلی بیشتر مؤلفه‌ای اقتصادی محسوب می‌شود، تلاش داریم این مؤلفه را در نسبتی با مؤلفه‌ای غیراقتصادی نیز بسنجیم؛ ازاین‌رو، به شاخص توسعه انسانی که بیشتر مؤلفه‌ای غیراقتصادی است نیز در اینجا پرداخته شده است. کارآمدی یک نظام سیاسی در تبدیل ذخایر مادی(در اینجا انرژی) به شاخص‌های اقتصادی و توزیع این شاخص‌های اقتصادی در جامعه و تبدیل آن به شاخص‌هایی اجتماعی(توسعه انسانی) مشخص می‌شود.

www.SID.ir

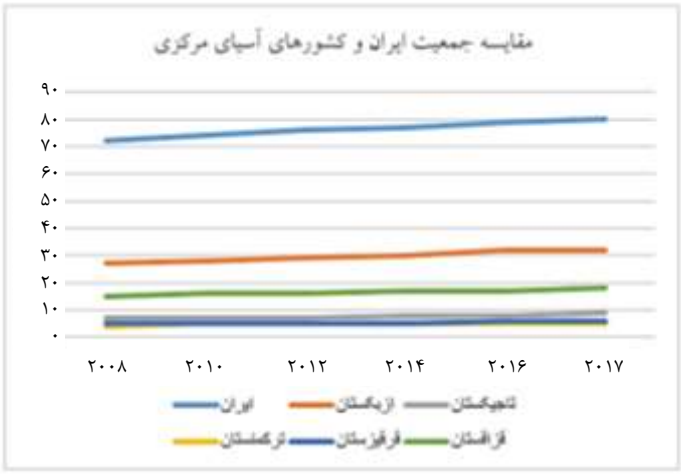

منبع: www.tradingeconomic.com/world bank

گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی در خصوص ایران و کشورهای آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی مراجعه شود.

از هم‌افزایی و تضارب این متغیرها می‌توان وضعیت عدالت اجتماعی در این کشورها را تاحدود زیادی ترسیم و از پی آن مقایسه نمود. سؤال اصلی این است که یک کشور از آنچه دارد چگونه به‌شکلی عادلانه شهروندان جامعه خویش را متنفع می‌سازد؟ این نوشتار تلاش دارد تا نشان دهد نوع رویکرد به مسئله عدالت اجتماعی و تفاوت آن از سوی ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی است که درجه تحقق عدالت اجتماعی را تعیین می‌دارد.

۱. مقایسه جمعیت‌شناختی

در ابتدا نیازمند آن هستیم تا جمعیت کشور ایران را در دو منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه محور بررسی مقایسه‌ای قرار دهیم و به شناختی از وضعیت جمعیتی متقابل کشورها دست‌یابیم. نسبت جمعیت ایران در دو منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه به نسبت دیگر کشورها در رتبه عالی قرار دارد آن‌گونه که در مقایسه با کشورهای آسیای مرکزی با اختلاف بیشتر و در میان کشورهای آسیای جنوب غربی در کنار کشور ترکیه با اختلاف از دیگر کشورها فاصله گرفته است. این ارقام جمعیتی را می‌توان در کنار میزان درصد جمعیت

Archive of SID

www.SID.ir

شهرنشین در این کشورها قرار داد تا اطلاع دقیق‌تری از وضعیت جمعیتی این کشورها به دست آورد. آن‌چنان که درضد بالای ۵۰٪ جمعیت شهرنشین احتمال تأثیرگذاری بر نحوه و میزان درخواست مطالبات از ساختار سیاسی را تغییر و افزایش می‌دهد.

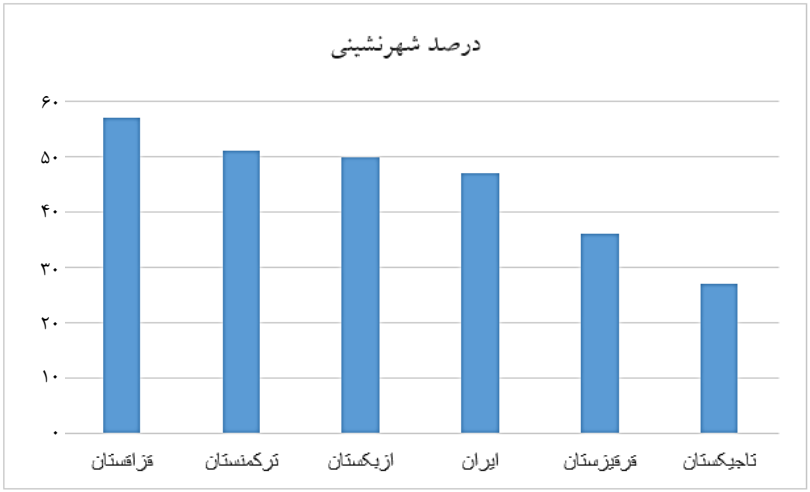

اطلاعات برای پایان دوره مطالعاتی سال ۲۰۱۷ http://www.hdr.undp.org/en/countries/profiles

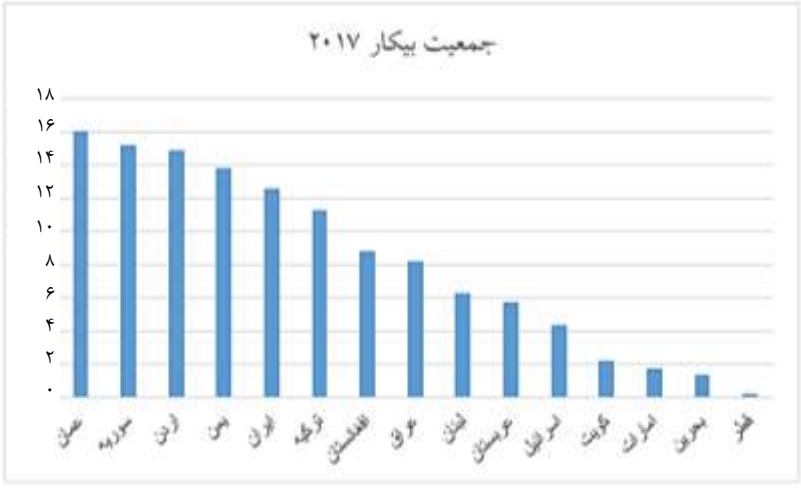

منبع: www.tradingeconomic.com/world bank

www.SID.ir

بر اساس دو نمودار فوق می‌توان دریافت که میزان درصد جمعیت شهرنشین در ایران در مقایسه با کشورهای آسیای مرکزی در جایگاه میانی میان این کشورها قرار دارد و در میان کشورهای جنوب غربی آسیا در یک سوم پایین مجموع این کشورها قرار می‌گیرد.

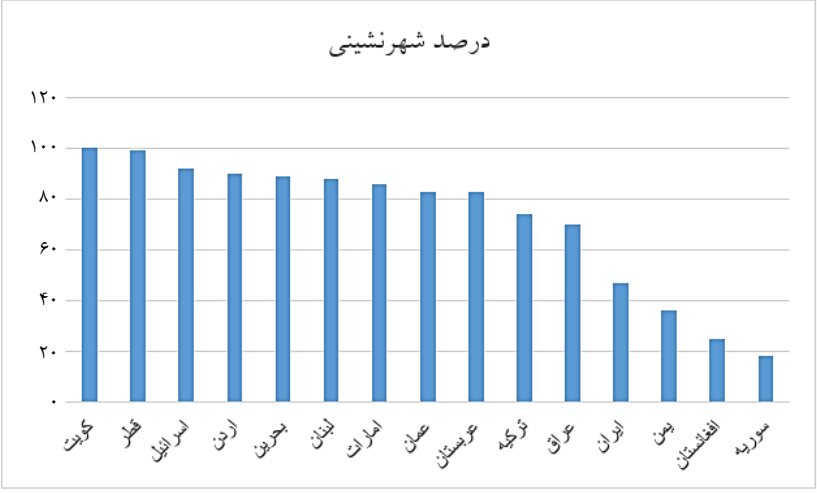

آمار و اطلاعات برای پایان دوره مطالعاتی سال ۲۰۱۷ http://www.hdr.undp.org/en/countries/profiles

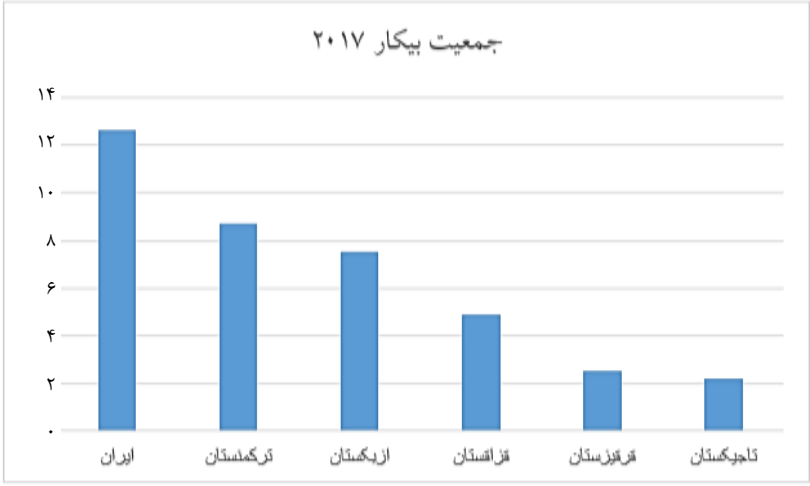

منبع: www.tradingeconomic.com/world bank

www.SID.ir

علاوه بر روند کلی جمعیت و میزان شهرنشینی، نیازمند مقایسه درصد جمعیت بیکار در ایران و در میان کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی است.

بر اساس دو نمودار فوق، درصد روند بیکاری در جمهوری اسلامی ایران بیشترین حجم را در مقایسه با کشورهای آسیای مرکزی دارا می‌باشد و در میان کشورهای آسیای جنوب غربی جزو پنج کشور اول منطقه قرار دارد.

به این ترتیب می‌توان شمای کلی از جامعه هدف(ایران) به دست آورد و این اطلاعات را در مقایسه با دیگرکشورهای همسایه و حوزه تمدنی و فرهنگی قرار داد. این سه دسته متغیر نشان‌دهندهٔ آن هستند که ایران به‌لحاظ جمعیتی در رتبه برتری در میان دو دسته کشورهای آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی قرار دارد، اما به‌لحاظ درصد شهرنشینی و بیکار در میانه فهرست این کشورها قرار دارد.

۲. مقایسه تصمیم‌گیری‌ها(تبدیل منابع بالقوه به بالفعل)

دسته دوم متغیرهایی که لازم است محور بررسی مقایسه‌ای قرار بگیرند شامل «حجم ذخایر و تولید نفت»، «درصد تولید ناخالص داخلی» و «شاخص توسعه انسانی» این کشورها می‌باشند. این سه دسته متغیر گویای آن هستند که کشورها چگونه از داشته‌ها و پتانسیل داشته خود(منابع انرژی) به دو هدف تعیین‌شده که عبارت از افزایش درصد تولید ناخالص ملی(وجه اقتصادی) و افزایش شاخص‌های توسعه انسانی(وجه غیراقتصادی) دست یافته‌اند.

کشور	رتبه حجم ذخایر نفتی	رتبه در تولید نفت
ایران	٤	٤
ازبکستان	٤٤	٤٦
ترکمنستان	٤٣	٣٦
تاجیکستان	٨٨	٩٨
قرقیزستان	٧٩	٩٦
قزاقستان	١١	١٧

منبع: www.opec.org/index/contry/2017

Archive of SID

www.SID.ir

جدول فوق گویای آن است که ایران هم در رتبه حجم ذخایر نفتی و هم در رتبه تولید نفت در میان کشورهای آسیای مرکزی در جایگاه برتری نسبت به دیگر کشورها قرار دارد.

کشور	رتبه حجم ذخایر نفتی	رتبه در تولید نفت	کشور	رتبه حجم ذخایر نفتی	رتبه در تولید نفت
ایران	٤	٤	عراق	٥	٧
اردن	٩٦	١٠٠	عربستان	٢	٢
اسرائیل	٩٤	٩٩	عمان	٢٤	٢٣
امارات	٧	٨	قطر	١٢	١٨
بحرین	٦٥	٦١	کویت	٦	١٠
ترکیه	٥٤	٥٩	لبنان	---	---
سوریه	٣٢	٣١	یمن	٢٩	٤٠
---	---	---	افغانستان	---	---

منبع: http://www.eia.gov/en/2017/category.contry

جدول فوق گویای آن است که جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای آسیای جنوب غربی به‌لحاظ حجم ذخایر نفتی و تولید نفت بعد از عربستان در جایگاه دوم قرار دارد و کویت با اختلاف در جایگاه سوم جای دارد.

تمامی کشورهای مورد مقایسه دارای ذخایر نفتی می‌باشند و تاحد زیادی سازوکار تصمیم‌گیری در این کشورها با الگوی دولت رانتیر تعریف می‌شود، در اینجا توجه به حجم ذخایر نفتی و رتبه میزان تولید نفت به‌عنوان یکی از منابع ثروت و سرمایه بالقوه مطرح شده است و باتوجه‌به کارویژه‌های نظام سیاسی در هر کشور تبدیل به درصد تولید ناخالص داخلی می‌شود؛ هر چقدر نرخ تولید ناخالص ملی برتر باشد به‌طور قطع آن نظام سیاسی، کارآمدی بیشتری در تبدیل ثروت و سرمایه بالقوه به بالفعل داشته است.

سرانه تولید ناخالص داخلی [1] درحقیقت مفهوم بسیار ساده‌ای است؛ یعنی سهم هر نفر از شاخص [1] GDP چه میزان است. این مؤلفه معیاری بسیار مناسب برای بررسی مسائلی چون

۱. به‌صورت نظری رفاه فرد یا جامعه را باید با استفاده از توابع مطلوبیت محور سنجش قرار داد، اما مطلوبیت مفهومی ذهنی است که قابلیت اندازه‌گیری ندارد. بدین جهت برای محاسبه سطح رفاه فرد و جامعه می‌توان از سطح تولید و درآمد تحقق‌یافته استفاده کرد. در اقتصاد کلان به‌عنوان کلی‌ترین شاخص رفاه جامعه از تولید ناخالص ملی یا درآمد ناخالص ملی استفاده می‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

«سطح رفاه و درآمد سرانه یک جامعه»، «سطح برخورداری افراد یک جامعه از خدمات تأمین اجتماعی»، «معیار بسیار مناسب برای مقایسه کارآمدی اقتصاد کشورهای مختلف» و «شاخص قدرتمند برای بررسی دلایل سرمایه‌گذاری و بازگشت سرمایه در خصوص سرمایه‌گذاران خارجی» محسوب می‌شود.

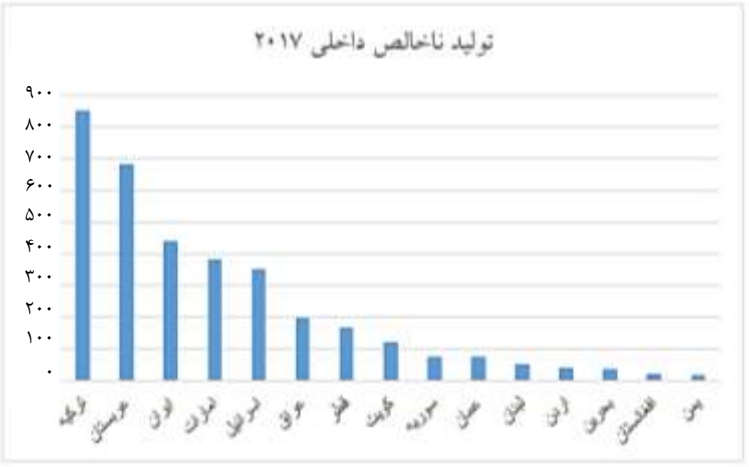

منبع: https://fa.tradingeconomics.com

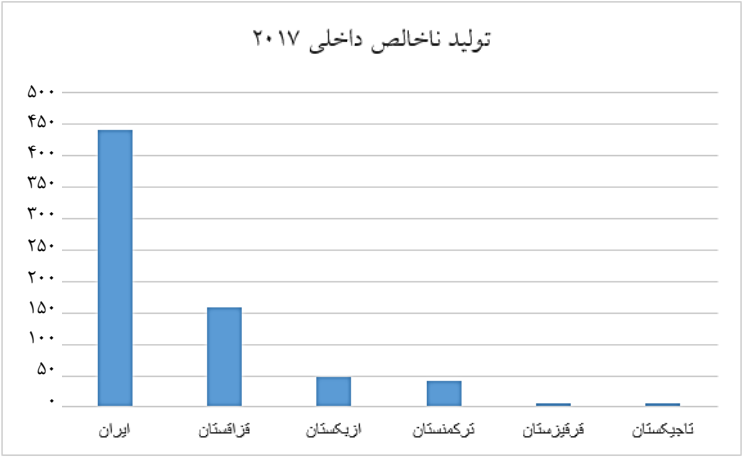

منبع: https://fa.tradingeconomics.com

1. www.tradingeconomics.com

www.SID.ir

بر اساس نمودارهای فوق در میان کشورهای آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران با اختلاف، دارای بیشترین میزان تولید ناخالص داخلی می‌باشد و در میان کشورهای آسیای جنوب غربی میزان تولید ناخالص ملی ایران جزو سه کشور اول این منطقه است.

سومین متغیر از این دسته شاخص‌ها، توسعه انسانی است. بر اساس گزارش سالانه بانک جهانی[1]، شاخص‌های توسعه انسانی[2] کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی در سال ۲۰۱۷ به قرار زیر می‌باشد.

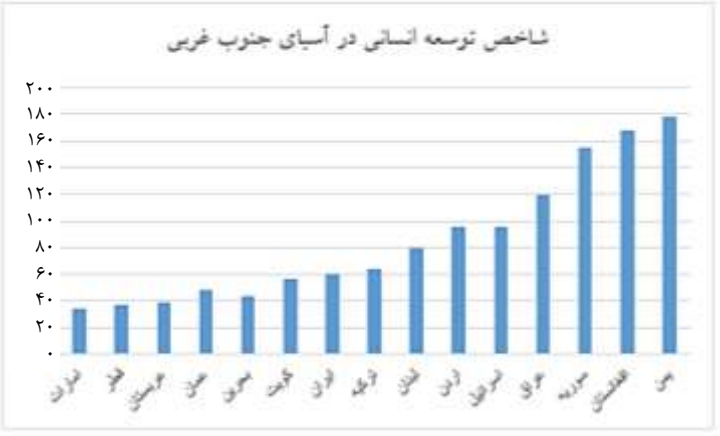

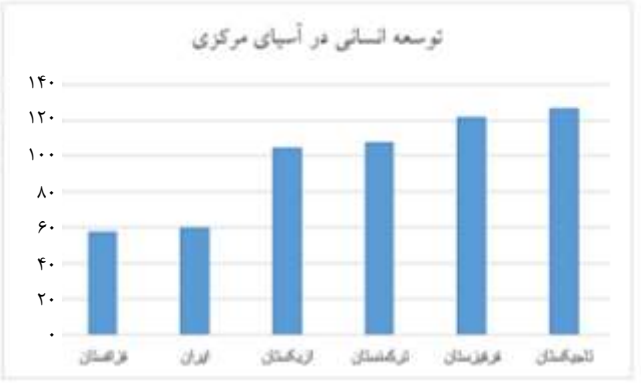

1. www.data.worldbank.org

۲. Human Development Index که شامل «زندگی طولانی و سالم»، «دستیابی به دانش» و «استانداردهای زندگی آبرومندانه» می‌شود.

www.SID.ir

اهداف شاخص توسعه انسانی بدین شرح است: فراتررفتن از درآمد و مادیات برای ارزیابی رضایت از زندگی در طولانی‌مدت برای افراد جوامع مختلف؛ توجه به توسعهٔ انسان، برای انسان و به‌وسیلهٔ انسان و تأکید بر اینکه هدف واقعی برنامه‌های توسعه درنهایت باید ایجاد شرایطی برای زندگی سالم، خلاقانه و شاد برای انسان‌ها باشد. گزارش شاخص‌های توسعه انسانی، این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه شاخص‌های رشد اقتصادی درنهایت موفق می‌شوند (نمی‌شوند) که رشد و درآمد را به زبان رفاه بشر ترجمه کنند (نکنند)؛ این مهم که غالباً به دست سازوکارها و ساخت سیاسی یک کشور محقق می‌شود را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناخت سیستم سیاسی هر کشور از جمله کشورهای حوزه تمدنی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قلمداد نمود.

شایان ذکر است که هرچه رتبه کشورها در گزارش‌های سالانه بانک جهانی کمتر باشد وضعیت مؤلفه‌های مورد بررسی در این گزارش در آن کشور بهتر ارزیابی شده است. بر این اساس در دو نمودار فوق مشاهده می‌شود که ایران در میان کشورهای آسیای مرکزی بعد از قزاقستان با اختلاف کمی رتبه دوم را دارا می‌باشد و در میان کشورهای آسیای جنوب غربی و در میان پانزده کشور رتبه هفتم را کسب نموده و در جایگاه برتری از کشورهایی چون اسرائیل و ترکیه قرار دارد.

۳. مقایسه خدمات اجتماعی

دسته سوم متغیرهای مورد بررسی در اینجا شامل «سهم بهداشت از کل تولید ناخالص داخلی»، «درصد سال ـ تحصیلات» در این کشورها و میزان «دسترسی کاربران به اینترنت» است.

اولین متغیر در خصوص وضعیت خدمات اجتماعی به میزان هزینه‌های بهداشتی فعلی(درصدی از تولید ناخالص داخلی) ارتباط پیدا می‌کند که به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی ارائه می‌شود(www.who.int/gho).

Archive of SID

www.SID.ir

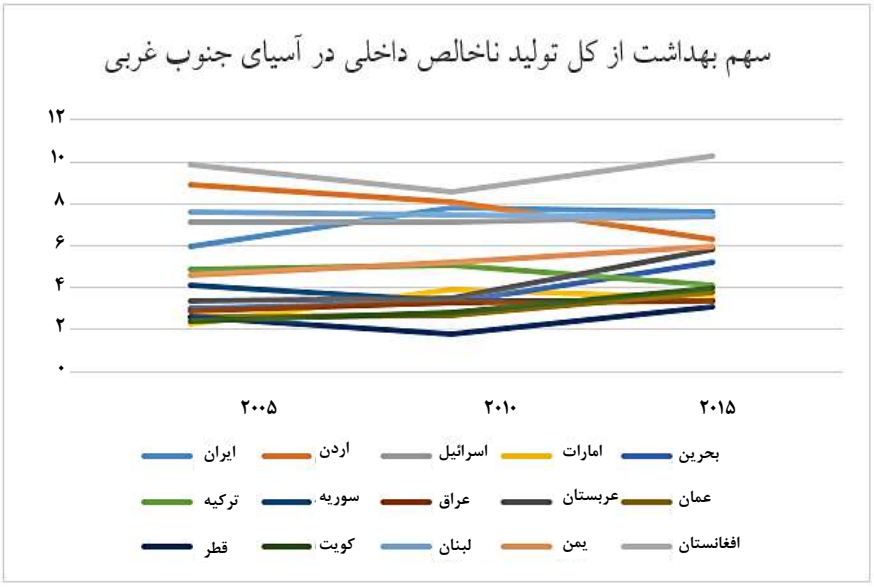

منبع: www.hdr.undp.org

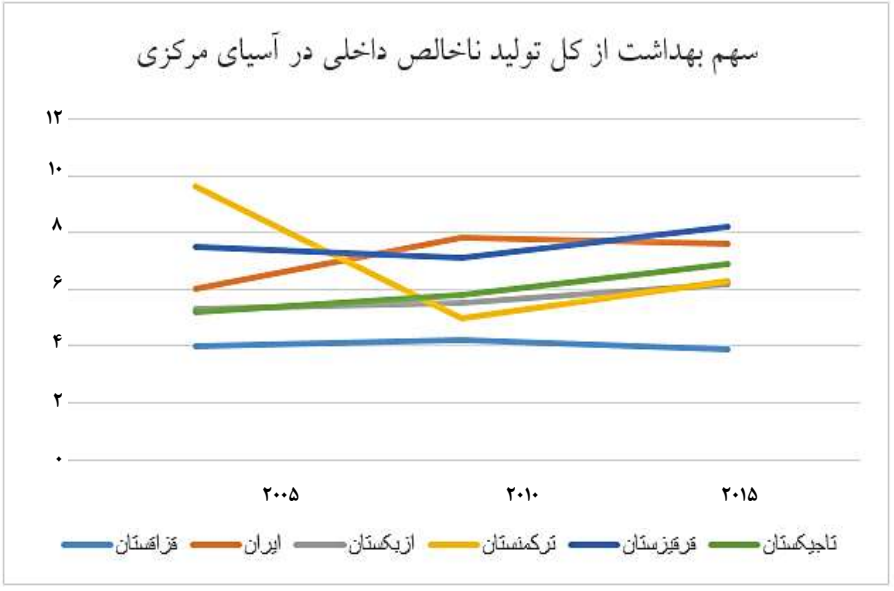

منبع: www.hdr.undp.org

www.SID.ir

بر اساس نمودار مربوط به آسیای مرکزی، در میان این کشورها جمهوری اسلامی ایـران در کنار قرقیزستان، نسبت سهم بهداشت از کل تولید ناخالص داخلی بیشتری دارد. همچنـین ایـن متغیر که در دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ محور مطالعه قرار گرفته است، نشان می‌دهد که نمودار مربوط به سهم بهداشت از کل تولید ناخالص ملی در ایـران در کنـار سـه کشـور ترکمنسـتان، تاجیکستان و ازبکستان روندی روبه‌رشد را دارا می‌باشد.

همچنین بر اساس نمودار مربوط به آسیای جنوب غربی افغانستان بیشترین و قطر کمتـرین سهم بهداشت از تولید ناخالص داخلی را داشته و در میـان ایـن کشـورها جمهـوری اسـلامی ایران، اردن، لبنان و اسرائیل چهار کشور برتر می‌باشند. در این میـان کشـورهای ترکیـه و اردن بیشترین روند کاهش سهم بهداشت از تولید ناخالص داخلی را دارا می‌باشند.

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخص‌هایی که گویای وضعیت اجتماعی ـ فرهنگـی هـر کشـوری می‌باشد شاخص تحصیلات جمعیت یک کشور است. هر سـاختار سیاسـی موظـف اسـت تـا اطمینان حاصل کند که تمام جوانان و بخـش درخـور تـوجهی از بزرگسـالان(مردان و زنـان)، سوادآموزی را کسب کنند(شاخص سالانه ـ تحصیلات). بر اساس شاخص‌های توسعه انسـانی که بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ منتشر کـرده اسـت وضـعیت تحصـیلات در کشـورهای مـورد مطالعه به شرح زیر می‌باشد.



منبع: www.hdr.undp.org

www.SID.ir



منبع: www.hdr.undp.org

بر اساس اطلاعات آماری گزارش توسعه انسانی درصد رشد جمعیت سال- تحصیلات در جمهوری اسلامی ایران نسبت به دو دسته کشور در آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی در برترین رتبه قرار دارد. قزاقستان در آسیای مرکزی و اسرائیل در آسیای جنوب غربی پس از ایران در رتبه دوم جای دارند.

ازآنجاکه در عصر جهانی‌شدن دسترسی به اطلاعات آزاد یکی از خدمات مهمی است که از مطالبات شهروندان یک کشور از ساختار سیاسی آن کشور دارند؛ ازاین‌رو آخرین مؤلفه از دسته سوم متغیرهای مورد بررسی به دسترسی شهروندان یک کشور به اینترنت اختصاص یافته است.



منبع: internetworldstats.com/asia.htm

Archive of SID

www.SID.ir

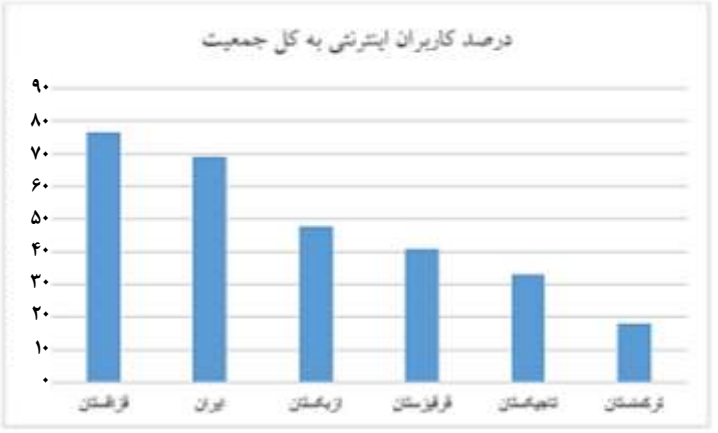

منبع: internetworldstats.com/asia.htm

بر اساس نمودار مربوط به درصد کاربران اینترنتی به کل جمعیت در کشورهای آسیای مرکزی، ایران بعد از قزاقستان در رتبه دوم قرار دارد و در میان پانزده کشور در آسیای جنوب غربی، ایران در رتبه نهم جای گرفته است.

٤. مقایسه وضعیت اقتصاد و تجارت آزاد

بنیاد هریتیج نخستین‌بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ مجموعه‌ای از معیارهای عینی اقتصادی را درنظر گرفت و از سال ۱۹۹٤ این معیارها برای مطالعه و درجه‌بندی کشورهای مختلف در انتشار گزارش‌های سالانه شاخص آزادی اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت. تهیه‌کنندگان این شاخص با تعریف آزادی اقتصادی به «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» شاخص آزادی اقتصادی را بر اساس مقادیر ۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ طبقه اصلی تقسیم شده‌اند، برای کشورهای مختلف محاسبه و ارائه نموده‌اند. بر اساس گزارش سالانه بنیاد هریتیج[1] که از گزارش‌های یک دهه این مؤسسه اخذ شده است می‌توان در نمودارهای زیر وضعیت کشورهای مورد بررسی را مقایسه نمود.

---

۱. با عنوان (Heritage Foundation index) که شامل بررسی «آزادی کسب‌وکار»، «آزادی تجارت»، «آزادی مالی»، «شاخص مخارج دولت»، «آزادی پولی»، «آزادی سرمایه‌گذاری»، «آزادی تأمین اعتبار»، «حقوق مالکیت»، «آزادی از رشوه» و «آزادی بازار نیروی‌کار» می‌شود.

www.SID.ir

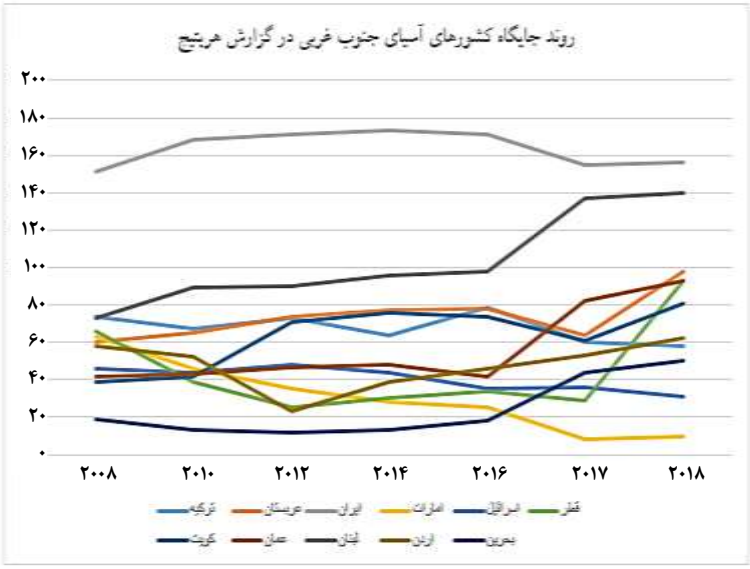

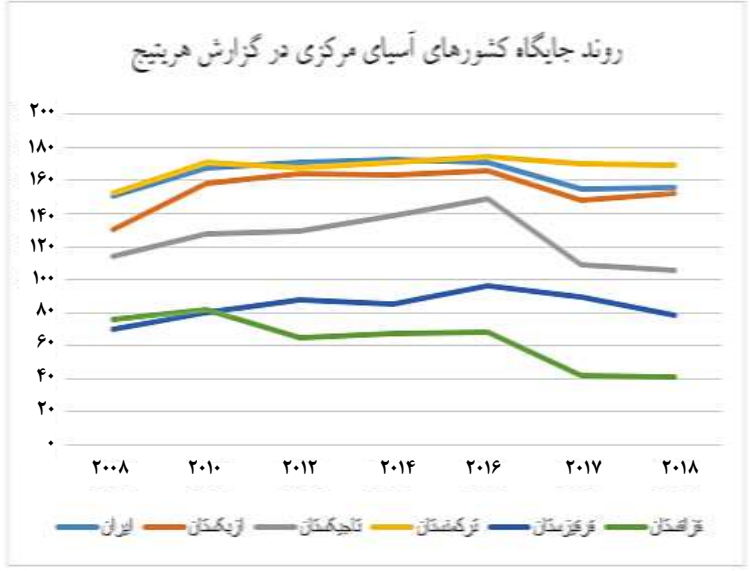

منبع: اطلاعات این نمودارها بر اساس گزارش‌های سالانه بنیاد هریتیج که هرساله در یک دهه گذشته منتشر می‌شود، جمع‌آوری شده است.

www.SID.ir

به‌سان جایگاه کشورها در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، هرچه میزان رقم جایگاه یک کشور در گزارش بنیاد هریتیج کمتر باشد آن کشور از وضعیت بهتری در خصوص مؤلفه‌های مورد بررسی برخوردار است.

آن‌گونه که از نمودار مربوط به کشورهای آسیای مرکزی مشاهد می‌شود قزاقستان همواره در یک دهه اخیر از جایگاه بهتری نسبت به دیگر کشورها برخوردار بوده و در رتبه بعدی ایران قرار دارد؛ درحالی‌که در میان کشورهای آسیای جنوب غربی جایگاه ایران و لبنان در بدترین وضعیت قرار دارد و کویت و امارات متحده عربی در بهترین جایگاه قرار دارند. البته کشورهای سوریه، یمن، افغانستان و عراق در گزارش سال‌های اخیر بنیاد هریتیج به‌دلیل دسترسی نداشتن به اطلاعات، جایگاهی را کسب ننموده‌اند.

د. یافته‌های پژوهش

در صورتی که بپذیریم کارآمدی یک نظام سیاسی به‌معنای توانایی اداره شایسته و عادلانه آن کشور و دستیابی به اهداف تعیین‌شده می‌باشد در این صورت لازم است مسیر این «اداره‌کردن» (سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها) و هدف این «اداره‌کردن» (برقراری عدالت اجتماعی) را در خصوص جمهوری اسلامی ایران مورد بازخوانی انتقادی قرار دهیم. بنابراین لازم است در گام اول سیاست‌گذاری‌ها به‌معنای تبدیل منابع مادی به مواهب اجتماعی را بررسی نموده و در گام دوم توزیع عادلانه مواهب اجتماعی (که می‌تواند مادی و غیرمادی باشد) را واکاوی نماییم. بر اساس اطلاعات بیان‌شده در بخش قبلی می‌توان درجه امروزین کارآمدی عادلانه نظام سیاسی در ایران را به قرار زیر ترسیم نمود.

رویکرد مطالعاتی	شاخص‌ها	جایگاه مقایسه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی	جایگاه مقایسه‌ای با کشورهای آسیای جنوب غربی
جمعیت‌شناختی	جمعیت کل	بیشترین	بیشترین
	درصد شهرنشینی	متوسط / میانی	متوسط / میانی
	درصد بیکاری	بیشتر	بیشتر
سیاست‌گذاری	ذخایر و تولید نفت	اول	دوم
	تولید ناخالص داخلی	اول	سوم
	توسعه انسانی	دوم	پانزدهم
خدمات اجتماعی	سهم بهداشت از GDP	اول	چهارم
	سال / تحصیلات	برترین	برترین
	کاربر اینترنتی	دوم	نهم
اقتصادی	آزادی اقتصادی	دوم	کمترین

Archive of SID

www.SID.ir

بخش اعظم کارآمدی یک نظام سیاسی شامل سیاست‌گذاری آن نظام سیاسی می‌شود و فرایند سیاست‌گذاری به‌طور کلی شامل سه بخش استخراج (مسئله)، توزیع (اجرا) و تنظیم (ارزیابی) می‌باشد؛ ازاین‌رو در جدول فوق و در ردیف اول به مسئله (جمعیت‌شناختی)، در ردیف دوم به تصمیم‌گیری و در ردیف‌های سوم و چهارم به توزیع (خدمات اجتماعی و وضعیت اقتصادی) پرداخته شده است. البته از آنجا که هر یک از گزارش‌های بین‌المللی ارجاع شده در این پژوهش خود ابعاد و مؤلفه‌های متعددی را محور بررسی قرار داده‌اند می‌توان تکیه‌گاه این پژوهش بر آن مؤلفه‌ها را نیز مفروض قرار داد.

بر اساس مندرجات جدول فوق و با تکیه بر نمودارهای حاصل از گزارش‌های بین‌المللی وضعیت کارآمدی نظام سیاسی و برقراری عدالت اجتماعی نمی‌تواند خیلی وخیم باشد، آن‌چنان که در بیشتر زمینه‌ها، جایگاه و رتبه جمهوری اسلامی ایران در بهترین حالت در میان کشورهای است که نزدیک به حوزه تمدنی و فرهنگی خود است. همان‌طور که در طرح مسئله بیان شد فاصله‌ای معنادار میان وضعیت ترسیمی آمار و ارقام گزارش‌های بین‌المللی و وضعیت ترسیمی شهروندان ایرانی از وضعیت عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران برقرار است. در اینجا قصد بررسی وضعیت ترسیمی شهروندان را نداریم، اما در حالت کلی می‌توان دریافت که وضعیت ترسیمی شهروندان با وضعیت ترسیمی گزارش‌های بین‌المللی فاصله معناداری دارد.

در گفتمان کنونی، عدالت اجتماعی تنها به برقراری برابری اقتصادی و طبقاتی اشاره ندارد؛ بلکه توجه به تفاوت‌های نژادی، قومی و جنسیتی نیز بخشی از مسائل مربوط به آن را تشکیل می‌دهد. امروزه در عصر جهانی‌شدن نمی‌توان از یک اجتماع انسانی کاملاً همگون سخن گفت. تنوع یک وضعیت جهان‌شمول است و شیوه‌های تکثرگرایی همان نسبیت‌گرایی ساده (دیگران راه خود را می‌روند و ما راه خودمان) نیست؛ بلکه در تکثرگرایی نوعی تعامل و التزام نسبت به یکدیگر می‌تواند وجود داشته باشد و باید هم وجود داشته باشد (والزر، ۱۳۸۹: ۵). ما به‌دلیل انسان‌بودن عام و به‌دلیل در جامعه‌بودن خاص هستیم (والزر، ۱۳۸۹: ۲۲). عدالت اجتماعی نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشد.

ایده اصلی منتقدین عدالت اجتماعی در معنای لیبرالیستی، این است که عدالت توزیعی باید در خصوص کالاهایی لحاظ شود که در حال توزیع هستند و چون این کالاها ماهیتی ذاتی و

Archive of SID

www.SID.ir

لاینفک ندارند، عدالت توزیعی باید جایی اعمال شود که آن کالاها توزیع شده، نقش مهمی در زندگی‌های مادی و معنوی انسان‌ها دارد (والزر، ۱۳۸۹: ٤۳). ازاین‌رو، عدالت توزیعی با تلقی‌های اجتماعی افراد از نوع زندگی مرتبط است (والزر، ۱۳۸۹: ٤٤). در این میان والزر بهتر از هرکس دیگری مفهوم زمینه را در معانی عدالت اجتماعی تبیین کرده است.

به نظر والزر جامعه بشری یک اجتماع مبتنی بر توزیع است، توزیع همه ماجرا نیست، اما بخش بسیار مهمی می‌باشد. ما گرد هم می‌آییم تا چیزهایی را تقسیم و مبادله کنیم (والزر، ۱۳۸۹: ۲۳). اصول عدالت، به‌لحاظ فرم، کثرت‌گرا هستند یعنی مواهب اجتماعی متفاوت باید به دلایل مختلف و در انطباق با رویه‌های متفاوت و به دست کارگزاران مختلف توزیع شوند. همه این تفاوت‌ها از استنباط‌های متفاوت از مواهب اجتماعی نشئت می‌گیرند؛ چراکه به ناچار محصولی تاریخی و فرهنگی هستند.

با تکیه بر وضعیت ترسیمی گزارش‌های بین‌المللی که ذکر آن در جدول فوق رفت، وضعیت عدالت اجتماعی در ایران نه‌تنها وخامت ندارد؛ بلکه در وضعیت نسبتاً مناسبی هم به سر می‌برد؛ اما این وضعیت «نسبتاً مناسب» را مردم باور نداشته و درخصوص اجرای عدالت اجتماعی همواره اعتراضاتی صورت می‌گیرد. مسئلهٔ اصلی از یک سوی به نوع رویکرد به کارآمدی نظام سیاسی بازمی‌گردد و از سوی دیگر به نوع رویکرد به مسئله عدالت در عدالت اجتماعی مربوط است.

اگر کارآمدی نظام سیاسی در ایران را بر اساس فرایند سیاست‌گذارانه به سه مرحله «به‌کارگیری مؤثر منابع»، «ساماندهی منابع» و «دستیابی به هدف» تفکیک نماییم؛ بر اساس جدول فوق‌الذکر در مرحله اول که «به‌کارگیری مؤثر منابع» است نظام سیاسی اثربخشی لازم را داشته آن‌چنان که در خصوص ذخایر نفتی به تولید نفت و تبدیل به تولید ناخالص داخلی از یک سو و آزادی اقتصادی از سوی دیگر نمرات مقبولی دریافت نموده است. در مرحله دوم «ساماندهی منابع» قرار دارد که نظام سیاسی در دوره مورد بررسی اثربخشی محدودی داشته و کارآمدی آن مطلوب نبوده آن‌چنان‌که در خصوص تبدیل منابع مالی حاصل از تولید ناخالص داخلی به توسعه انسانی نمره قابل قبولی دریافت نکرده است. هرچند که در خصوص سهم بهداشت از تولید ناخالص داخلی و آموزش همگانی رایگان نمرات قابل قبولی را دریافت کرده است. درنهایت در مرحله سوم که «دستیابی به هدف» می‌باشد تعارض‌نظر وجود دارد. آن‌چنان‌که وضعیتی که گزارش‌های بین‌المللی

Archive of SID

www.SID.ir

از برقراری عدالت اجتماعی که محصول کارآمدی نظام سیاسی است از مقایسه با کشورهای مشابه ترسیم می‌کنند، مطلوب می‌باشد یا لااقل وخیم نیست. باور عمومی مردم برقراری عدالت اجتماعی و کارآمدی نظام سیاسی را به‌شکل گزراش‌های بین‌المللی مطلوب عنوان نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد که دستیابی به هدف (در اینجا عدالت اجتماعی) که به‌عنوان سومین رکن از ارکان کارآمدی یک نظام سیاسی تعریف شد میان مردم و ارقام منتشرشده گزارش‌های بین‌المللی متفاوت است. متفاوت از آن جهت که عدالت اجتماعی و کارآمدی در زمینه‌های اجتماعی تعریف و تحدید می‌شوند و زمینه تعبیر «دستیابی به هدف» نزد گزارش‌های بین‌المللی و مردم یک کشور به‌طور متفاوتی صورت‌بندی می‌شود.

نتیجه‌گیری

عدالت نه مفهومی نظری و مجازی و نه تنها در لفاف مباحث فلسفی، بلکه معطوف به عمل است. «عدالت در چیست؟»، در مجموع در فلسفه سیاسی دو پاسخ اصلی به این پرسش داده شده است: ۱. عدالت به‌معنی تقدم حقوق فرد بر خیر جمعی و ۲. عدالت به‌معنای تقدم خیر جمعی بر حق فردی که از دیرباز به عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای مصطلح شده است. در غالب تعاریف از عدالت اجتماعی به «شیوه توزیع قابل دفاع سودها در زندگی جمعی» اشاره شده است، اما آنچه مرکز مناقشات نظری می‌باشد، چگونگی این «شیوه» است.

تا پیش از قرن بیستم، غالب ایده‌ها و نظریه‌ها در حوزه عدالت اجتماعی چهره‌ای نظری داشته و به‌نوعی با غلبه جریان چپ مارکسیستی همراه بوده درحالی‌که از قرن بیستم به این سو غالب ایده‌ها و نظریه‌ها در حوزه عدالت اجتماعی اغلب اوقات در پی ارائه راهکار عملی هستند و به‌نوعی شاهد غلبه جریان راست لیبرالی در این مباحث هستیم.

از سوی دیگر، در نگرش‌های به عدالت اجتماعی شاید بتوان بین دو نگرش محدود و گسترده، تمایز قائل شد. در نگرش محدود تنها به عدالت اقتصادی توجه شده است که اندیشه‌محوری عدالت را برمبنای دو نظریه ایدئولوژی سرمایه‌داری و سوسیالیستی بنا می‌کند و به دیگر شئونات اجتماعی بهایی نمی‌دهد. در مقابل، مفهوم بسیار وسیع عدالت اجتماعی شامل تمام چیزهایی است که در جامعه می‌گذرد و پیدایی جامعه نقطه آغازین آن است. در این

Archive of SID

www.SID.ir

مفهوم است که «شیوه توزیع قابل دفاع سودها در زندگی جمعی» مطرح شده و منظور تمام «سودهای» زندگی روزمره است، که شامل تمام ارزش‌های مادی و باورهای معنوی می‌باشد. کارایی یک نظام سیاسی در احترام شایسته به نحوه توزیع این ارزش‌ها است.

در مجموع می‌توان به موضوعات زیر به‌عنوان وجوه نتایج به‌دست‌آمده تأکید نمود.

۱. همواره از یک سو در جامعه و از سوی دیگر در آمار به وضعیت عدالت اجتماعی در ایران پرداخته می‌شود؛ اما همان‌طور که از آمار مشاهده شد وضعیت عدالت اجتماعی به آن وخامتی که برداشت‌های عمومی مردم و شبکه‌های اجتماعی مجازی بیان می‌دارند، نیست. این پژوهش هرگز به مطلوب‌بودن وضعیت عدالت اجتماعی رأی نمی‌دهد یا نمی‌خواهد به میزان نارضایتی شهروندان از وضعیت عدالت اجتماعی بپردازد؛ بلکه قصد دارد به فاصله ناشناخته‌ای اشاره نماید که مابین وضعیت ترسیمی آمارهای بین‌المللی با وضعیت ترسیمی برداشت‌های عمومی مردم از عدالت اجتماعی در ایران شکل گرفته و کمتر مورد شناسایی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. همان‌طور که بیان شد کارآمدی فرایندی تدریجی است و رویکردهای رادیکال و انقلابی در ساختار سیاسی ایران همواره خود این وجه کارآمدی را از ذهن مردم پاک می‌کنند و حل مسائل را منوط به اقدام و عمل‌های انقلابی می‌دارند و اثربخش نبودن این نوع تصمیم‌گیری، تصور ناکارآمدی نظام سیاسی را در میان مردم ایجاد می‌کند.

۳. به نظر می‌رسد عدالت اجتماعی بر مبنای رویکرد جماعت‌گرایانه مفهومی اجتماعی است که با مجازات‌ها و ارزش‌ها سروکار دارد؛ ازاین‌رو نیازمند آنیم که نظام حقوق و توزیع فرصت‌ها و مواهب به‌وسیله ساختار اساسی جامعه و نهادهای آن سامان یابد و تعریف می‌شود.

٤. همان‌طورکه بیان شد کارآمدی فرایندی بلندمدت است و وجهی از سیاست‌گذاری عمومی قلمداد می‌شود. گاه در یک نظام سیاسی برخی سیاست‌گذاری‌های خرد با سیاست‌گذاری‌های کلان در تعارض هستند و کل آن دستاوردهای سیاست‌گذاری‌های کلان در بلندمدت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ برای نمونه و با ارجاع به آماری که بیان شد می‌توان به آموزش رایگان در ایران اشاره داشت که حجم وسیعی را در بر دارد، اما همچون در برخی سیاست‌گذاری‌های خرد تعارضاتی وجود دارد این کارکرد عادلانه در این حوزه با مصائبی همراه شده است یا در نمونه‌ای دیگر وضعیت حقوق زنان در ایران در مقایسه با کشورهای منطقه غرب

Archive of SID

www.SID.ir

آسیا و آسیای مرکزی درخور بررسی است؛ وضعیتی که در آن زنان به فهرستی از حقوق و مطالبات خود در مقایسه کشورهای حوزه تمدنی- فرهنگی دست‌یافته‌اند، اما دسترسی نداشتن به برخی مطالبات همچون رفتن به ورزشگاه‌ها تمامی دستیابی گذشته را مخدوش نموده است.

۵. البته همان‌طورکه بیان شد کارآمدی یک نظام سیاسی نسبی است و در نسبتی با نظام ارزش‌های اجتماعی معنا می‌شود و به نظر می‌رسد در صورت تحول در نظام ارزش‌ها، نیاز است تا نظام سیاسی نیز در رویکرد خود به مسئله کارآمدی و مفهوم عدالت اجتماعی تجدید نظر نماید.

٦. بر اساس نکات گفته شده، کارآمدی نظام سیاسی زمانی به بیشترین اثربخشی خود دست می‌یابد که بر اساس حوزه‌های اصلی جامعه، معیارهای توزیع را تعیین نماید و به‌سان رویکرد جماعت‌گرایانه از تداخل معیارهای توزیع در حوزه‌های موازی جلوگیری به‌عمل آورد. آن‌چنان که برای نمونه معیارهای توزیع در حوزه بازار دخالتی در حوزه منصب و مقام (سیاست) و آموزش(تحصیلات) نداشته باشد.

در این حالت بر مبنای یک رویکرد عدالت اجتماعی برقرار است و بر مبنای رویکردی دیگر عدالت اجتماعی برقرار نیست. این رویکردها هست که کارآمدی یک نظام سیاسی را تعیین می‌کند. آنچه فراتر از دو رویکرد توزیعی و رویه‌ای در عدالت اجتماعی امروزه به نظر می‌رسد که کارآمدی یک نظام سیاسی را افزایش می‌دهد توجه به عدالت زمینه‌مند است. آن‌چنان‌که ما باید در آمار جهانی و گزارش‌های بین‌المللی دریابیم که جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه به نسبت دستیابی به مواهب اجتماعی نسبت جمعیتی بیشتری یا کمتری دارد؟

آنچه سبب می‌شود مسیر ارزیابی برقراری یا عدم برقراری عدالت اجتماعی را به اشتباه بیپماییم «مقایسه ایران امروز با گذشته تاریخی باشکوهی[1]» و «مقایسه ایران امروز با وضعیت کشورهای توسعه‌یافته» است و آنچه نیاز است در زمان ارزیابی میزان عدالت اجتماعی در ایران کانون توجه قرار گیرد «مقایسه زمینه‌مند با کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی» و «مقایسه با وضعیت معاصر پیشین» است.

---

۱. که در برخی مسائل ذهنی و غیر واقعی است.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

ارسطو (۱۳۸۵) سیاست. ترجمه حمید عنایت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

آقابخشی، علی (۱۳۸۹) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات چاپار

آلموند، گابریل (۱۳۸۱) چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، علیرضا طیب، تهران:مرکز آموزشی مدیریت دولتی.

پتریک، تونی فیتز (۱۳۸۳) نظریهٔ رفاه. ترجمه هرمز همایون‌پور. تهران: مؤسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

تقوی، مصطفی (۱۳۹۰) احکام حکومتی؛ قانون اساسی و کارآمدی. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر. بهار و تابستان، شماره ۳، از صفحه ۲۳ تا ٤٦.

جلالی، فاطمه (۱۳۹۵) بررسی عوامل مؤثر بر کارآمدی سیاسی دولت‌ها در منطقه غرب آسیا. فصلنامه مطالعات راهبردی. تابستان، شماره ۷۱، از صفحه ۱۱۳ تا ۱۳۹.

دلوه‌کیو، ژرژیو (۱۳۹۵) بررسی تاریخی ـ فلسفی عدالت، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پرسش

رابینز، استیفن (۱۳۸٦) تئوری سازمان(ساختار و طرح سازمانی)، ترجمه مهدی الوانی، تهران: انتشارات صفار.

رالز، جان (۱۳۷٦) «رویارویی حق با خیر» لیبرالیسم و منتقدان آن، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

رضائیان، علی (۱۳۹۵) اصول مدیریت، تهران: انتشارات سمت.

فرنچ، درک (۱۳۹۵) فرهنگ توصیفی مدیریت، ترجمهٔ محمد صائبی، تهران: نشر مهربان.

قدیری‌اصل، باقر (۱۳۸۷) سیر اندیشه اقتصادی، تهران: نشر دانشگاه تهران.

کاشانی، مجید (۱۳۸۳) کارآمدی نظام و رویکردهای نظری آن. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۲۳ و ٢٤، از صفحه ۱۱ تا ۳۰.

کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۳) کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریهٔ ولایت فقیه و ابزارهای آن. فصلنامه سیاست، پاییز، شماره ۳۱، از صفحه ٤٦٥ تا ٤٨١.

کوزه‌گر، محمد (۱۳۹۲) تحلیل رابطه کارآمدی سیاسی و تکلیف‌گرایی در گفتمان امام خمینی. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ٦، از صفحه ۸۹ تا ۱۱۲.

گلریز، حسن (۱۳۸۸) فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین المللی. تهران: فرهنگ معاصر.

ملاعباسی، محمد (۱۳۹٤) لیبرالیسم و مسئله عدالت. تهران؛ نشر ترجمان.

نوروزی، محمدجواد (۱۳۹٤) شاخص کارآمدی اسلام در بعد ساختاری نظام اسلامی. فصلنامه معرفت سیاسی، بهار و تابستان، شماره ۱۳، از صفحه ۵ تا ۲۸.

نیلسن، کای (۱۳۸۲) «واکاوی مفهوم عدالت»، ترجمه: علیرضا کاهه، راهبرد، شماره ۳۰، زمستان.

همپتن، جین (۱۳۸۵) «فلسفه سیاسی»، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

هوفه، اتفرید (۱۳۸۳) درباره‌ی عدالت: برداشت‌هایی فلسفی، مترجم امیر طبری. تهران: اختران.

هیوز، آون (۱۳۹۷) مدیریت دولتی نوین، ترجمه مهدی الوانی و همکاران، تهران: نشر مروارید.

Archive of SID

www.SID.ir

هیوود، اندرو (۱۳۹۳) مقدمه نظریه سیاسی. ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: ققنوس.

واعظی، احمد (۱۳۸٤) «عدالت صوری، عدالت محتوایی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۹.

والزر، مایکل (۱۳۸۹) فربه و نحیف، ترجمه مرتضی بحرانی. تهران: پژوهشگاه مطالعات علوم اجتماعی و فرهنگی.

والزر، مایکل (۱۳۹٤) حوزه‌های عدالت: در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری، ترجمه صالح نجفی. تهران: ثالث.

Brian Barry (1989) Theories of Justice, London: Harvest-Wheat sheaf.

Diedhiou, A. (2007), Governance for Development: Understanding the Concepts, Reality Linkages, Journal of Human Development, 8(1): 23-38.

Esty, Daniel (2006) Good Governance at the Supranational Scale. Faculty Scholarship Series. Paper 428.

Graham, John (2003) Principles for Good Governance in the 21st Century. Institute on Governance. www.iog.ca.

Haunter, Davidm Kyobe, Annette. (2008) Determinants of Government Efficiency, IMF Working paper.

Kaufman, D., Kraay, A., Mastruzzi, M. (2004), Governance matters III: governance indicators for 1996, 1998, 2000, and 2002, World Bank Economic Review, 18: 253–287.

Kaufman, Daniel, (2010) global Economy and Development at Brookings. Word bank.

Klebe, Linda (2007) Ethical Decision Making in Organizations: A Person-Situation Interactionist Model. The Academy of Management Review, Vol. 11, No. 3. (Jul., 1986), pp. 601-617.

Matthew Andrews (2008) Good Government Means Different Things in Different Countries. http://www.hks.harvard.edu/research/working_papers.

Mitchell, Gregory (1993) Judgments of Social Justice: Compromises between Equality and Efficiency. Journal of Personality and Social Psychology 1993, Vol.65, No. 4,629-639.

Raphael, David (2001) concepts of justice. Oxford university press.

S.M. Lipset, (1959), Political man, the social basis of politics, New York, Doubleday.

Summary of the 58th report (2011) Development policy and Good governance. Scientific Council for Government Policy. www.wrr.nl.

UNHABITAT, (2006) the urban governace index: a tool of the quality of urban governance, Beirut.

Venieris, Dimitris (2013) Crisis Social Policy and Social Justice. Available in www.eprints.lse.ac.uk/50258/1/GreeSE_No69.pdf.

Walzer, Michael, 1984, "Liberalism and the Art of Sepatation. Political Theory.

Xia, chuanli (2018) Political Participation in Hong Kong. International Journal of Communication no 12, 1569–1590.

Archive of SID

www.SID.ir